

بازنده‌ها



۵ علیرضا جهانبخش

وقتی در ابتدای سال بعد از سه فصل ناکام و ناموفق در لیگ برتر انگلیس حاضر شد دل از جزیره بکند و به اردویژه و سرزمین لاله‌ها بازگردد، می‌شد حدس زد که فصل تازه‌ای در زندگی علیرضا جهانبخش رقم خورده. چه آنکه هلند برای علی جهان، جهانی از موفقیت، محبوبیت و آوازه را به همراه داشت و می‌شد حدس زد که او در فاینورد می‌تواند دوباره روزهای درخشان گذشته را تکرار کند. جهانبخش در اردویژه خیلی زود روزهای عسر و حرج در برایتون را فراموش کرد و به روزهای درخشان گذشته کامبک زد. او در یک تیم بزرگتر و مهمتر بدل به همان ستاره دوست‌داشتنی آلکمار شده بود که خبر گل‌ها و پاس گل‌های هر هفته تیتریک اخبار فوتبال اروپا می‌شد. تولد دوباره علیرضا در فوتبال اروپا سبب شد تا در تیم ملی هم یک جهانبخش تازه را رؤیت کنیم. ستاره‌ای پخته و مؤثر که با بازوبند کاپیتانی در تیم ملی بدل به یک عنصر کلیدی و وزنه شده که یک اسکواد موفق را به خوبی در زمین رهبری می‌کند. گل‌های گاه و بیگاه و پاس گل‌هایش در تیم ملی یکی از عوامل اصلی صعود زودهنگام ایران به جام جهانی بود؛ موفقیتی که کاپیتان آن علیرضا جهانبخش نام داشت.

۱ شهاب عزیزی خادم

او هنگامی رئیس فدراسیون فوتبال شد که تیم ملی در لبه پرتگاه حذف از جام جهانی قرار داشت. با وجود این، تیم ملی از گردنه سخت مانده عبور کرد تا عزیزی خادم با وجود همه حرف و حدیث‌ها با اسکوپچ ادامه دهد. در مرحله پایانی انتخابی جام جهانی نیز تیم ملی در یک نمایش هیجان‌انگیز سه هفته مانده به پایان رقابت‌ها، صعود خود را قطعی کرد تا عزیزی خادم همه جا با ترجیع‌بند «ارزان‌ترین صعود به جام جهانی» آن را در بوق و کرنا کند. عزیزی خادم صعود زودهنگام تیم ملی به جام جهانی را اما مرتبط به نفس حق خوبان عالم می‌داندست و کمترین نقش را برای کادر فنی و بازیکنان قائل بود و بارها در لفافه اشاره داشت که با توسل به خوبان عالم تیم ملی در جام جهانی نیز شگفتی ساز می‌شود اما دولت آقای رئیس مستعجل بود و او در حالی که هنوز شمع کیک یک سالگی ریاست خود را در فدراسیون فوت نکرده بود، عزل شد تا داغ جام جهانی به دلش بماند. این بار حتی از خوبان عالم هم کاری ساخته نبود!



۲ مجتبی خورشیدی

او جزو نخستین نفراتی بود که بعد از ریاست شهاب عزیزی خادم در فدراسیون فوتبال منصوب شد. یک انتصاب به غایت حیرت‌انگیز و مشکوک که درباره آن شایعات استخوان سوزی رواج داشت و همگان آن را به جریان خوبان عالم منتسب می‌کردند. مردی که بزرگترین افتخارش یک دوره دستیاری مربی ناکامی چون حمید درخشان در راه‌آهن بود! در حالی که لشکری از پیشکسوتان اسم و رسم‌دار و البته موجه و موقر وجود داشتند تا به عنوان سرپرست و در قامت بزرگتر و مدیر روی نیمکت تیم ملی بنشینند و به این نیمکت وزن بدهند، عزیزی خادم ترجیح داد کسی را کنار دست اسکوپچ روی نیمکت بنشانند که حتی اهالی کوچه محل سکونتش هم او را نمی‌شناختند چه برسد به ملی‌پوشان!



۳ علیرضا بیرانوند

بعد از ۴ فصل درخشان و رؤیایی با پرسپولیس که نقطه اوج آن درخشش در جام جهانی ۲۰۱۸ بود، علیرضا بیرانوند هم چمدان‌ها را به مقصد اروپا بست تا ماجراجویی‌اش را این بار در قاره سبز دنبال کند. بیرو به باشگاه بزرگ بلژیکی آنتورپ پیوست. باشگاهی که در قفس توریش گلر اصلی و فیکس داشت و بیرانوند را برای نیمکت ذخیره‌ها می‌خواست. نیمکت‌نشینی‌های پی‌پی‌پی و در کنار آن مصدومیت‌های گاه و بیگاه سبب شدند که حوصله بیرو خیلی زود سر برود. بیرو برای فرار از نیمکت‌نشینی به لیگ پرتغال و باشگاه متوسط بوآیشتا رفت و با وجود حضور در چند بازی ابتدایی فصل با گل‌های فراوانی که پذیرفت از چشم سرمربی تیم افتاد و جای خود را به رقیبش داد. این سناریو در تیم ملی هم تکرار شد؛ آنجا که نیمکت‌نشینی‌های پی‌پی‌پی در اروپا او را از فرم مطلوب دور کرد و نتیجه‌اش اشتباهات ریز و درشتی بود که در بازی‌های تیم ملی مرتکب می‌شد تا در نهایت اسکوپچ قید او را بعد از اشتباه مرگبار برابر لبنان زده و حراست از قفس توری را به امیر عابدزاده بسپارد و تبعید به نیمکت بعد از تیم باشگاهی در تیم ملی هم تکرار شود.



۴ محمدحسین کنعانی‌زادگان

کنعانی بعد از یک دوره تاریک و سرگردانی در تیم‌های فانوس به دست همچون ماشین‌سازی به پرسپولیس برگشت. بنابراین برای تیمی که قرار بود در آسیا برای قهرمانی بجنگد و به رؤیای دیرینه فتح جام هاشور واقعیت بزند، جدایی مدافع فیکس تیم ملی ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر محسوب می‌شد که دست سرخ‌ها را بار دیگر از قهرمانی کوتاه نگاه داشت. برخلاف همه این حواشی در حوزه باشگاهی در تیم ملی اوضاع بر وفق مراد کنعانی بود و او با حضور در ترکیب اصلی توانست صعود به جام جهانی را جشن بگیرد. اگرچه این اتفاق زیر سایه پررنگ حاشیه و قیحانه اتوبوس گیت رنگ باخت. مدافعی که در یک ویس جنجالی از یک هوادار مؤنث‌اش دعوت کرده بود تا در اتوبوس تیم ملی میهمان او باشد! اتفاقی که به سرعت او را بدل به کانون حاشیه و البته جنجال کرد تا کمیته اخلاق اگرچه خیلی دیر به ماجرا ورود کرده و با حکم خفیف ۲ جلسه محرومیت در تیم ملی ماجرا را ماست مالی کند. اگرچه پرونده رسوایی کنعانی به اندازه‌ای بزرگ و سیاه است که حتی با آب زمزم هم پاک نمی‌شود!



۵ مارک ویلموتس

او از اول اشتباهی بود. مردی اسم و رسم‌دار که بعد از دوران پرتلاطم و طولانی کارلوس کی‌روش آمد تا جانشین این مربی پرآوازه شود اما آوازه و اعتبارش جملگی پوشالی و فیک بود تا تیم ملی با ویلموتس تنها به چاه ویل ناکامی و حذف سقوط کند. ویلموتس یک شاید تمام عیار بود که به ایران آمد تا با کلاهبرداری حساب‌های بانکی خود را پر کند و عجیب اینکه فدراسیون بی‌اراده و بی‌سواد وقت با یک قرارداد یک طرفه این فرصت را به او داد تا به هدف خود برسد؛ قرارداد ویلموتس چای که روی قرارداد ننگین ترکمنچای را سفید کرده! ویلموتس بعد از شاهکار دو بخت متوالی به بحرین و عراق که ایران را به لبه پرتگاه حذف از جام جهانی هل داد، با به جیب زدن ۲ میلیون یورو پول بی‌زبان و بادآورده ایران را رها کرد. اما بعد از ویلموتس ناگهان ورق برگشت و ایران صعودی قاطعانه و زودهنگام به جام جهانی را جشن گرفت تا شاید بلژیکی در زمستان ۲۰۲۲ از تلویزیون خانه‌اش شاهد هنرنمایی تیمی باشد که با دست او نابود شده بود.

